

خبر اسلام‌ستیزی

روایت آخرین مرد مسلمان باقی مانده در شهر ناندا ناگار هند که در برابر اسلام ستیزی مقاومت کرد: من نرفتم

خشونت فیزیکی فروکش کرده ولی خشونت اجتماعی پنهان ادامه دارد

[شهروند | ۱۵] خانواده مسلمان در ناندا ناگار پس از حمله همسایگان خود در سپتامبر گذشته فرار کردند. احمد حسن اما بازگشت و حاضر به رفتن نیست. حسن آخرین مرد مسلمان شهر است. احمد حسن زمانی تنها خشکشویی شهر دورافتاده ناندا ناگار در شمال هند را داشت که مشتریان هندو و مسلمان به طور یکسان به او مراجعه می کردند. تا سپتامبر ۲۰۲۴، او روزانه بین ۲۰ تا ۲۵ مشتری داشت که برخی در حین بحث در مورد مسائل سیاسی و شوخی، با او یک فنجان چای می نوشیدند ولیخندها و غم‌هایشان را به اشتراک می‌گذاشتند. بیشتر مشتریان حسن ۴۹ ساله هندو و تعداد کمی مسلمان بودند. در طول نسل‌ها، ۱۵ خانواده مسلمان ناندا ناگر را خانه می‌نامیدند.

جایی که حسن در آن به دنیا آمد و بزرگ شد، جایی که خانواده‌اش برای جشنواره‌های هندو دعوت‌نامه دریافت می‌کردند و در عید مسلمانان هم میزبان همسایگان بودند. همه چیز در سپتامبر گذشته در انفجاری از خشونت ضد مسلمانان که با دای‌ای یک دختر هندو مبنی بر آزار جنسی آغاز شد، تغییر کرد، اما ریشه در تغییر گسترده‌تری در احساسات علیه جامعه اقلیت داشت که حسن از زمان کووید-۱۹ متوجه‌آن شده بود. شعارها و راهپیمایی‌های مملو از نفرت با حمله فیزیکی به مسلمانان به اوج خود رسید و مغازه‌های آنها تخریب شد. جامعه کوچک مسلمان شهر از ترس جان خود، در تاریکی شب فرار کردند.

احساس می‌کنم که یک روح هستم کاملاً نامرئی هستم

فقط حسن با همسر، دود دختر و دو پسرش برگشت و قاطعانه گفت که می‌توانند در تنها جایی که خانه‌اش می‌دانست، کار کند. اما خانواده او در ترس زندگی می‌کنند. همسایگان هندو آنها با آنها صحبت نمی‌کنند. او دیگر مانند هر عصر برای پیاده روی در کنار رود خانه نمی‌رود. او اجازه نمی‌دهد فرزندان و همسرش با کسی ملاقات کنند. و هر لحظه نگران وقوع خشونت بیشتر است. حسن به الجزیره می‌گوید: «من فقط به مغازه‌ام می‌روم و به خانه برمی‌گردم. اکنون زندگی ما همین است. بعد از گذراندن تمام زندگی‌ام در این شهر، احساس می‌کنم که یک روح هستم. من کاملاً نامرئی هستم. هیچ‌کس حتی با من صحبت نمی‌کند.

ناندا ناگار ۱۰ ساعت با ماشین از دهلی نو پایتخت هند فاصله دارد. این شهر که در نزدیکی مرز هند و چین قرار دارد، در محل تلاقی شاخه‌های رودخانه ناندا اِکینی قرار دارد و حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد. رودخانه ناندا اِکینی یکی از شش شاخه رودگنگ است و هندو ها آن را مقدس می‌دانند.



وقایع یک سپتامبر ۲۰۲۴ نقطه عطف اسلام ستیزی در این شهر بود

او به یاد می‌آورد که زندگی تا سال ۲۰۲۱ عمدتاً صلح‌آمیز بود. در طول همه‌گیری ویروس کرونا، مسلمانان در سراسر هند به دلیل تئوری‌های توطئه منتشر شده توسط گروه‌های راست افراطی هندو که آنها را به انتشار عمدی ویروس از طریق اعمال مذهبی در تجمعات بزرگ متهم می‌کردند، مورد سرزنش قرار گرفتند به طوری که راست افراطی آن را «جهاد کرونا» نامید. ناگهان حسن احساس کرد که دوستان هندویش از هم دور شده‌اند. او می‌گوید: «قبل از کووید-۱۹، در عید افراد زیادی در خانه ما بودند و از دوستانمان دعوت‌های زیادی دریافت می‌کردیم. اما بعد از کووید، این کار متوقف شد.» اما وقایع ۱ سپتامبر ۲۰۲۴ نقطه عطف اسلام ستیزی در این شهر بود.

بعد از بالا گرفتن حواشی خبر ادعای آزار و اذیت یک جوان هندو که یک مسلمان را متهم می‌کرد، انجمن مغازه‌داران شهر تصمیم گرفت برای محکوم کردن آزار و اذیت و درخواست اقدام پلیس، جمعی برگزار کنند. حسن به همراه دیگر مسلمانان شهر در این تظاهرات شرکت کردند. او به یاد می‌آورد: «ما رفتیم زیرا در غیر این صورت هندوها ادعا می‌کنند که ما از جنایات مرتکب شده توسط مسلمانان حمایت می‌کنیم. با این حال، جمعیت به زودی شروع به سر دادن شعارهای ضد اسلامی و تهدید به خشونت کردند. خانواده‌های مسلمان شهر دیگر در امان نبودند.»

دیگر حتی پلیس شهر هم جواب آنها را نمی‌داد. خانواده‌های مسلمان تا پاسی از غروب در خانه ماندند که اوباش بروند. آن شب که ساعت از نیمه شب گذشته بود، حسن آرام آرام به سمت مغازه‌اش که جلوی خانه‌اش بود، رفت و دید که کرکره مغازه‌اش شکسته و پیچ خورده است. لباس‌های خشک شویی مثل آبنبات در خیابان پخش شده بود. پیشخوان شکسته و پول‌ها به سرت قفته بود؛ پول‌هایی که برای ازدواج فرزندانش پس انداز کرده بود. حسن در حالی که عکس‌های مغازه خراب شده‌اش را نشان می‌دهد به الجزیره می‌گوید: «من آن روز را هرگز فراموش نمی‌کنم.» به نوشته الجزیره، از سپتامبر گذشته اسلام ستیزی در هند دوباره شدت گرفته و شهر به شهر، گروه‌های راست افراطی کمپین‌هایی را برای تحت فشار قرار دادن مسلمانان برای خروج به راه‌انداخته‌اند که در بسیاری از موارد با موفقیت همراه بوده است. مغازه‌های متعلق به مسلمانان غارت یا سوخته می‌شوند. تحریم اقتصادی به طور غیر رسمی برقرار شده است و اغلب مسلمانان نیز با خشونت فیزیکی مواجه می‌شوند.

ظلم علیه مسلمانان در همه جهات است، جسمی، عاطفی و مالی

خورشید احمد، یک فعال مستقر در دهرادون است که به حسن کمک کرد تا دادخواستی را در دادگاه عالی ارائه کند؛ او می‌گوید: «محاکم کشور ما متوجه بزرگی ظلمی که مسلمانان در حال حاضر با آن روبه رو هستند، نیستند. ظلم در همه جهات است – جسمی، عاطفی، مالی.» حسن می‌گوید: «درد دوستی‌های از دست رفته هنوز در نا‌ک‌نا است. وقتی خانواده‌های مسلمان برگشتند تا وسایلشان را ببرند، مردمی که با آنها می‌نشستیم و می‌خندیدیم به ما طعن می‌زدند. آنها سوال کردند که چرا برگشتیم. این قلب من را شکست. در حالی که خشونت فیزیکی به ظاهر فروکش کرده است، خشونت اجتماعی خاموش ادامه دارد.»

ترامپ زندگی دانشجویان

بین‌المللی را بسیار دشوارتر از قبل کرده است. تعجب آور نیست، زیرا او بیش از یک سال پیش قول داده بود که این کار را در مسیر مبارزات انتخاباتی انجام دهد. او علاوه بر این ادعا که دانشگاه‌ها و نهادهای مختلف اعتباربخشی، تحت تسلط مارکسیست‌ها و چپ‌های رادیکال هستند، نفرت خاص خود را از فعالان همبستگی با فلسطین در محوطه دانشگاه به خوبی نشان داد



چرا آمریکا دیگر مقصد امنی برای دانشجویان بین‌المللی نیست؟

عدالت خواهی = ربایش، بازداشت و اخراج

حـ هر دانشجوی بین‌المللی در آمریکا امروز باید بپذیرد که ممکن است هر لحظه به دلیل شرکت در یک اعتراض، نوشتن مقاله یا بیان دیدگاهی که کاخ سفید یا متحدانش را ناراحت می‌کند، ربوده، بازداشت و اخراج شود

[راضیه زرگری] ربایش‌ها، اخراج‌ها و ترس، زندگی

دانشجویی بسیاری از دانشجویان خارجی را در آمریکای ترامپ تعریف می‌کند و نمی‌توان بی‌ثباتی را که بر زندگی آنها در ایالات متحده حاکم است، دست کم گرفت. سامدپ سن، دانشیار مطالعات توسعه بین‌المللی در دانشگاه روسکیل در مقاله‌ای در الجزیره نوشت: «یادام می‌آید که اولین سفرم را از کلکته به نیویورک به عنوان یک دانشجوی بین‌المللی انجام دادم تا مدرک کارشناسی را در یک کالج کوچک پیگیری کنم که به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد؛ زمانی که جنگ موسوم به «جنگ علیه تروریسم»

برای اخراج اوفشار می‌آورد و ادعای می‌کند که او در فعالیت‌های طرفدار حماس و غیر آمریکایی شرکت می‌کند. خلیل در اوایل ماه مارس توسط افسران اداره مهاجرت و کمرك (ICE) از خانه‌اش در نیویورک در مقابل چشمان همسر باردار آمریکایی‌اش ربوده شد و بیش از یک ماه است که در بازداشتگاهی در لوئیزیانا نگهداری می‌شود. مورد مشابه دیگر، رومیسلا اورتورک، دانشجوی دکترای دانشگاه تافتس و شهروند ترکیه که توسط افسران نقابدار و لباس شخصی در بوستون ربوده شد. او نیز به‌بازداشتگاه در لوئیزیانا منتقل شد. جرم او؟ همکاری در نگارش مقاله‌ای که در آن از دانشگاهش خواست تا از رژیم اسرائیل جدا شود.

در این بین به نوشته الجزیره، با در خان سوری، شهروند هندی و محقق فوق‌دکترای دانشگاه جورج تاون، نیز اخراج شده و در بازداشتگاه ICE در نگراس با آینده‌نامعلومی مواجه است. سوری حتی در هیچ تظاهرات همبستگی فلسطین شرکت نکرد. به نظر می‌رسد جرم او این است که داماد احمد یوسف، مشاور سابق دولت حماس در غزه است. پس از آن، مومودو تال، کاندیدای دکترای دانشگاه کورنل، یک شهروند دوگانه از بریتانیا و گامبیا است که در تظاهرات همبستگی فلسطین شرکت کرد و مقامات مهاجرت از او خواستند که تسلیم شود. تال پس از دوهفته ونیم مخفی شدن از ترس امنیت شخصی خود، تصمیم گرفت ایالات متحده را ترک کند.

آیا تحصیلات عالی در ایالات متحده ارزش ریسک را دارد؟

حملات دولت ترامپ به دانشجویان خارجی به دلیل فعالیت در جهت طرفداری از فلسطین در کنار سرکوب همزمان طرح‌های عدالت محور و برابری خواه، روی هم رفته به سرعت دانشگاه‌های آمریکایی را به محیط‌های خصمانه برای دانشجویان خارجی، به‌ویژه برای کسانی که از جنوب جهانی می‌آیند، تبدیل کرد. با توجه به همه اینها، به نظر می‌رسد که زندگی دانشجویان بین‌المللی دیگر در ایالات متحده قابل تحمل نیست. هیچ تضمینی وجود ندارد که سرکوب دولت ترامپ محدود به سخنرانی و اعتراضات طرفدار فلسطین باشد. هر دانشجوی بین‌المللی در آمریکا امروز باید بپذیرد که ممکن است هر لحظه به دلیل شرکت در یک اعتراض، نوشتن مقاله یا بیان دیدگاهی که کاخ سفید یا متحدانش را ناراحت می‌کند، ربوده، بازداشت و اخراج شوند. حتی می‌توان آنها را به دلیل اشتغال قبلی یکی از بستگان بازداشت و تهدید به اخراج کرد. به نظر می‌رسد که هیچ توسل قانونی یا مهلت سیاسی معناداری در افق پیش رو قرار ندارد. بنابراین، دانشجویان بین‌المللی آینده با احتیاط از خود می‌پرسند: آیا تحصیلات عالی در ایالات متحده ارزش ریسک را دارد؟

•••

در سال‌های پس از آن، شرایط برای دانشجویان بین‌المللی که راهی آمریکا شدند، بهتر نشد. آن‌ها از نظر بسیاری از آمریکایی‌ها غیرقابل اعتماد و خارجی‌های تحمیل‌شده باقی‌ماندند و احساس بی‌ثباتی پیرامون زندگی‌شان همچنان ادامه داشت. با این حال، تحت دولت دوم ترامپ، این احساس بی‌ثباتی به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده است. در واقع، این روزها به نظر می‌رسد که ایالات متحده نه تنها خوشایند نیست، بلکه مقصدی آشکارا ناامن برای دانشجویان بین‌المللی است.

وعده ترامپ برای لغو ویزای دانشجویان یهودستیز

این دانشجوی خارجی که تجربه سال‌ها زندگی در جامعه آمریکا را داشته است، ادامه می‌دهد: «ترامپ زندگی دانشجویان بین‌المللی را بسیار دشوارتر از قبل کرده است. تعجب آور نیست، زیرا او بیش از یک سال پیش قول داده بود که این کار را در مسیر مبارزات انتخاباتی انجام دهد. او علاوه بر این ادعا که دانشگاه‌ها و نهادهای مختلف اعتباربخشی، تحت تسلط مارکسیست‌ها و چپ‌های رادیکال هستند، نفرت خاص خود را از فعالان همبستگی با فلسطین در محوطه دانشگاه به خوبی نشان داد. او اعلام کرد که در صورت انتخاب مجدد، ویزای دانشجویی «خارجی‌های رادیکال، ضد آمریکایی و یهودی‌ستیز» شرکت‌کننده در تظاهرات‌های طرفدار فلسطین در پردیس‌های دانشگاهی آمریکا را از اکبر ۲۰۲۳ لغو خواهد کرد و بر همین اساس ترامپ پس از بازگشت به کاخ سفید، او هدف قرار دادن دانشجویان و اساتید بین‌المللی طرفدار فلسطین را در اولویت قرار داد.»

دانشجویانی که در آمریکا ربوده شدند؛ از محمود خلیل کلمبیایی تا دانشجوی ضد اسرائیل اهل ترکیه

یکی از مهمترین اهداف او محمود خلیل، فارغ التحصیل دانشگاه کلمبیا بود. خلیل که در خط مقدم اعتراضات طرفدار فلسطین در کلمبیا به عنوان مذاکره‌کننده بین معترضان دانشجویی و رهبری دانشگاه حضور داشت، دارنده گرین کارت است. با این حال، دولت ترامپ